

انتشار تازه‌ترین داستان عاشورایی «کلر ژوبرت» و توزیع آن در راهپیمایی اربعین

کودکان ایرانی را بهتر از بچه‌های فرانسوی می‌شناسم / خوشحالم کتاب‌هایم به کرپلا رفتند

به گزارش خبرنگار کتاب و ادبیات خبرگزاری فارس، کلر ژوبرت نویسنده‌ای است که لیسانس علوم تربیتی، فوق لیسانس ادبیات کودک (از راه دور از دانشگاه «لو مان» فرانسه) و تحصیلات حوزوی (سطح دو) دارد. او، کار نویسندگی و تصویرگری را همزمان از سال ۱۳۷۵ آغاز کرد و به دو زبان فارسی و فرانسه می‌نویسد.

کلر ژوبرت نویسنده اهل فرانسه که به تازگی داستان عاشورایی‌اش رونمایی شده و در حال توزیع در مسیر راهپیمایی است، می‌گوید: بچه‌های ایرانی را خیلی بهتر از بچه‌ها فرانسوی می‌شناسم؛ چون سال‌هاست که در ایران زندگی می‌کنم.

از ژوبرت تاکنون آثار تالیفی و ترجمه بسیاری منتشر شده است. البته آثاری را هم زیرچاپ دارد. اما به تازگی یکی از داستان عاشورایی او با نام «نذری پریک» ویژه گروه سنی «ب» و «ج» به سه زبان رونمایی شد تا در راهپیمایی اربعین توزیع شده و به دست کودکان برسد.

ژوبرت، همکاری با نشریات کودکان را از سال ۱۳۸۸ آغاز کرد. از آن زمان عضو گروه کارشناسی داستان رشد نوآموز است و با مجله‌های سروش کودکان و خردسال، نیات کوچولو و گاهی نشریات کودک دیگری مانند پوپک، دوست، سه چرخه و ... همکاری دارد. از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ عضو گروه کارشناسی داستان سروش خردسال شد و به مدت یک سال (۱۳۹۲) عضو کارگروه بررسی کتاب خردسال نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور بود.

سال ۹۵ کتاب «داستان آن عزیز خدا» و سال ۹۶ کتاب «چرا؟ چرا؟ چرا؟» در اربعین توزیع شده بود و امسال اثری جدید به زائران اربعین اهدا شد. هدف از تولید این آثار سه‌زبانه علاوه بر تالیف و معرفی آثار شاخص، گسترش ابعاد فرهنگ عاشورا با نگاه ویژه به نذر فرهنگی و ایجاد حس صمیمیت بیشتر بین ملت‌هاست.

به مناسبت انتشار تازه‌ترین داستان عاشورایی «کلر ژوبرت» و توزیع آن در سطح وسیع در راهپیمایی اربعین گفت‌وگویی با این نویسنده انجام شد که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید:

خانم ژوبرت! شما حدود ۲۰ سالی است که با ادبیات و فرهنگ ایران آشنا هستید و در این مسیر قلم می‌زنید. از آغاز فعالیت خودتان بگویید.

من از کودکی عاشق نوشتن بودم، اما داستان‌نویسی را خیلی دیر آغاز کردم، چون با توجه به فضایی که در آن بزرگ شدم و تلقی این که داستان‌نویسی ذاتی و غیر آموختنی است، اصلاً گمان نمی‌کردم روزی بتوانم داستان‌نویس شوم. اما پس از به دنیا آمدن دو فرزندم، با این هدف که با کتاب و داستان بزرگ شوند و مانوس باشند، به ادبیات کودک رو آوردم و به شدت به آن علاقه‌مند شدم. این علاقه باعث شد خیلی زود تصمیم بگیرم خودم هم برای بچه‌ها بنویسم و این مسیر را تا به امروز ادامه دادم.

هنوز وارد حیطة نوشتن برای نوجوانان نشدم

چرا گروه سنی کودک و نوجوان را انتخاب کردید؟

اول این را بگویم که ادبیات کودک و ادبیات نوجوان را دو حیطة متفاوت می‌دانم و هنوز وارد حیطة نوشتن برای نوجوانان نشده‌ام. در آغاز، چند داستان بزرگسال نوشتم، اما سال‌هاست که فقط برای کودکان می‌نویسم. تصمیم گرفتم روی داستان کودک و خردسال متمرکز شوم تا سعی کنم تخصصی‌تر کار کنم.

انتخاب مخاطب کودک چند دلیل دارد. وقتی پس از سال‌ها (از زمانی که دیگر کودک نبودم) دوباره مشغول خواندن کتاب‌های کودکان شدم، عاشق این قالب ادبی شدم. به خاطر اختصار متن، عمقی که یک داستان می‌تواند در عین سادگی داشته باشد، تعامل متن و تصویر، موضوعات مربوط به کودکان و صفای دنیایشان... در ضمن داستان کودک چند وجه اشتراک - از جمله اختصار و وحدت تأثیر - با داستان کوتاه بزرگسال دارد که علاقه فراوان به آن دارم.

نوشتن برای بچه‌ها باعث شد بتوانم سه علاقه را در راستای هم قرار بدهم: عشق به بچه‌ها و علاقه به نوشتن و علاقه به نقاشی که تبدیل شد به تصویرگری.

بچه‌های ایرانی را خیلی بهتر از بچه‌ها فرانسوی می‌شناسم

فرهنگ ایرانی چه جذابیتی برای شما دارد که تاکنون از نوشتن دست نکشیده‌اید؟

اگر درست متوجه سؤالتان شده باشم، دلیل این که بیشتر به زبان فارسی می‌نویسم، این است که الآن بچه‌های ایرانی را خیلی بهتر از بچه‌ها فرانسوی می‌شناسم، چون سال‌هاست که در ایران زندگی می‌کنم و در کتابخانه‌ها و مدارس با بچه‌ها دیدار می‌کنم.

گهگاهی به زبان فرانسه هم داستان می‌نویسم، اما دیگر نمی‌توانم نظر بچه‌ها را جویا شوم. در ضمن هر داستانی را که می‌نویسم در جلسات بررسی داستان برای دوستان می‌خوانم و از نظرات، انتقادات و پیشنهادهایشان به‌رمند می‌شوم. وقتی به زبان فرانسه می‌نویسم، چنین امکانی ندارم. به مرور زمان زبان فارسی برای من زبان اختصاصی داستان و قصه شده است.

آموزش داستان‌نویسی در فرانسه خیلی محدود است

اگر قرار باشد میان ایران و کشوری چون فرانسه در ادبیات قیاسی انجام دهید، مزیت‌ها و کاستی‌های ادبیات ایران را در چه می‌بینید؟

چنین مقایسه‌ای منوط به این است که احاطه کافی به ادبیات ایران و فرانسه داشته باشم که اصلاً چنین نیست. اما در مقایسه ادبیات کودک این دو کشور می‌توانم به دو نکته اشاره کنم: یکی ادبیات کودک فرانسه که نیمی از آن حاصل ترجمه از زبان‌های دیگر است و به طور کلی خلاقانه‌تر است؛ هم در انتخاب موضوع، هم در پرداختن به آن. اما از طرف دیگر خیلی از داستان‌ها ضعف‌های ساختاری دارند که شاید به راحتی قابل پیشگیری بودند. به نظرم علت اصلی‌اش این است که آموزش داستان‌نویسی در فرانسه خیلی محدود است و کتاب‌ها در این زمینه انگشت‌شمارند، چون هنوز این باور حاکم است که داستان‌نویسی آموختنی نیست. در مقابل، ادبیات کودک انگلیسی‌زبان، پشتیبان نظری فراوانی دارد و به نظرم خیلی قوی‌تر از ادبیات کودک فرانسه است.

دوست دارم درباره مناسبت‌هایی مانند «عید غدیر» و «نیمه شعبان» هم بنویسم

شما آثاری در زمینه پیاده روی اربعین و ادبیات عاشورایی دارید. چند روز پیش کتابی دیگر از شما به شکل سه زبانه منتشر شد که باز هم قرار است در راه‌پیمایی توزیع شود. این قبیل کارها چقدر همت شما را به خود اختصاص می‌دهد؟

تا چند سال پیش واهمه داشتم از این که وارد داستان‌نویسی در مورد معصومین شوم. اما سردبیر یکی از مجلات کودک با اصرار زیاد از من خواست تا داستان کوتاهی در مورد امام حسین (ع) بنویسم و این یک نقطه آغاز در این مسیر برای من بود. همین داستان هم دو سال پیش به عنوان اولین کتابم برای راه‌پیمایی اربعین چاپ شد.

این اقدام به همت مرکز ترجمه حوزه هنری پایه‌گذاری شد و پارسال و امسال هم کتاب کودک سه زبانه به لطف خدا و تلاش فراوان دوستان برای هدیه به کودکان در پیاده روی اربعین چاپ و توزیع شد. از این که توانستم در این نذر فرهنگی سهمی باشم هزاران بار

خدا را شکر می‌کنم و دعا می‌کنم سال‌های آینده هم اگر عمری باشد چنین توفیقی داشته باشم. در ضمن خیلی دلم می‌خواهد برای موقیعت‌های دینی دیگر مانند «عید غدیر» و «نیمه شعبان» هم چنین توفیقی داشته باشم که برای کودکان قدمی بردارم به امید و یاری خدا.

سنجش یک واقعه و به تصویر کشیدن آن به منظور انتقال مفهوم برای بچه‌ها مهم است. تعریف شما از ادبیات عاشورایی و خلق یک اثر برای کودکان چگونه است و این آثار باید چه ویژگی‌هایی داشته باشند؟

ادبیات عاشورا طبیعتاً ادبیاتی است که از حماسه حسینی الهام گرفته باشد. اما در نوشتن داستان «عاشورایی» برای کودکان باید به انتخاب مقوله‌ها، زاویه دید و طرز بیان خیلی دقت کنیم. باید بسنجیم به تصویر کشیدن کدام وقایع و به منظور انتقال کدام مفهوم می‌تواند برای بچه‌ها مناسب و سودمند است.

با توجه به آثار آیینی و عاشورایی شما برای خاندان امام حسین (ع) و مضامین مشابه، فشارهایی از کشور خودتان متوجه شما نبوده است؟

نه تاکنون؛ به هیچ وجه.

فرزندام در مسیر راه مدرسه و سر سفره غذا از من داستان می‌خواستند

می‌دانم که شروع نوشتن شما از نوشتن برای فرزندانتان آغاز شده. در این باره هم بگویید.

همان طور که گفتم، با وارد شدن دو پسر من به زندگی‌ام، خودم وارد ادبیات کودک شدم تا بهترین کتاب‌ها به زبان فارسی و فرانسه را برایشان تهیه کنم. فرزندام این قدر به داستان و قصه علاقه‌مند شدند که حتی توی راه مدرسه و سر سفره غذا از من داستان می‌خواستند و زمانی که کتاب در دست‌رسم نبود از خودم قصه در می‌آوردم. در نتیجه به این فکر افتادم که به نوشتن داستان هم پردازم.

تحلیلگر سیاسی نیستم، اما سوء مدیریت در ایران باید اصلاح شود

ایران از منظر شما چگونه کشوری است؟

خیلی کوتاه و ساده بگویم: کشوری با دین کامل، فرهنگ غنی، مردمان مهربان و صمیمی، استعدادهای فراوان و منابع طبیعی بی‌شمار، چرا باید وضعیتش چنین باشد؟ من تحلیلگر سیاسی نیستم، اما گمان می‌کنم اگر سوء مدیریت در تمام سطوح جامعه اصلاح شود و مسئولیت‌پذیری هوشمندانه پرورش یابد، وضعیت از آنچه الان هست، بهتر خواهد شد.

داستان‌های ناتمام و ناقص و نارس را نگه می‌دارم

* تاکنون چند اثر نوشته‌اید؟

تا به حال حدود ۳۰۰ داستان نوشته‌ام که فعلا ۵۸ کتابم در قالب کتاب منتشر شده است. اما تمام داستان‌های ناتمام و ناقص و نارس را نگه می‌دارم؛ به امید روزی که بتوانم کامل‌شان کنم. حرفه داستان‌نویسی حرفه‌ای است که با یادگیری مستمر همراه است و این نکته خیلی امیدوارکننده است برای ادامه و ارتقای کار.

در راهپیمایی اربعین، دلم کربلاست/ خوشحالم کتاب‌هایم راهی شدند

در پیاده روی اربعین تاکنون شرکت داشته‌اید؟

هنوز این توفیق را پیدا نکرده‌ام، ولی خیلی خوشحالم که سه تا از کتاب‌هایم در این پیاده‌روی حضور پیدا کردند و به بچه‌ها اهدا شده‌اند. در این ایام دلم آنجاست و حسرت نبودن، خودش سازنده است و تجربه ارزشمندی است.

کمترین ثمر حضور در راهپیمایی اربعین تهذیب نفس و تجدید میثاق خواهد بود

ثمرات حضور در پیاده‌روی اربعین را در چه می‌دانید؟

با بی‌تجربگی‌ام در این زمینه تصور می‌کنم که این حضور می‌تواند بسیار سازنده باشد. فاصله گرفتن با روزمرگی، قرار گرفتن در شرایطی متفاوت از نظر آسایش مادی، حرکت بدنی همراه با حرکت دل، حضور در میان جمعیتی انبوه که عاشقانه و خالصانه در حرکت است... به گمانم کمترین ثمرش تهذیب نفس و تجدید میثاق خواهد بود.